

۱۷/۱/۱۰۰۷۷۹

۱۷/۱۰/۱۴



۱۱۱۰۶۸

دانشگاه شهید بهشتی (دانشکده حقوق)
پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته حقوق عمومی

موضوع:

آزادی اجتماعات در حقوق اساسی ایران، فرانسه و انگلستان

استاد راهنما: استاد دکتر محمد حسین زارعی

استاد مشاور: استاد دکتر علی اکبر گرجی

نگارش: مهدی بابایی

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۶ - ۶

زمستان ۱۳۸۷

۱۱۱۰۶۸

فهرست مطالب

فهرست مطالب	ا-ز
مقدمه	ی-ز

فصل اول: مفهوم و مبانی آزادی اجتماعات

گفتار نخست: مفهوم آزادی	۱-۸
بند اول - مفهوم فلسفی آزادی	۲-۳
بند دوم - مفهوم حقوقی آزادی	۳-۶
اول - حق و آزادی	۳-۵
دوم - آزادیهای منفی و آزادیهای مثبت:	۵-۶
بند سوم - آزادی در اسلام:	۶-۸
اول - آزادیهای معنوی و اجتماعی:	۶-۷
دوم - آزادی تکوینی و تشریحی:	۷-۸
گفتار دوم - مفهوم اجتماع	۸-۲۳
بند اول - مفاهیم مرتبط	۸-۱۰
بند دوم - تعاریف حقوق:	۱۰-۲۰
اول - تبیین مفهومی اجتماع:	۱۰-۱۳
۱- سازمان یافته بودن یا وجود کنش متقابل:	۱۱
۲- موقتی بودن:	۱۱-۱۳
۳- وجود هدف مشترک:	۱۳
دوم - تبیین مصداقی آزادی اجتماعات:	۱۳-۲۰
۱- اجتماعات عمومی و خصوصی:	۱۳- ۱۷
۲- راهپیمایی و تجمع:	۱۷-۲۰

- ۲۰-۲۳ ۳- اجتماعات سیاسی، مذهبی و صنفی
- ۲۴-۳۱ گفتار سوم: مبانی آزادی اجتماعات
- ۲۴-۲۵ بند ۱- دموکراسی
- ۲۵ بند ۲- خود رضامندی
- ۲۵-۳۰ بند ۳- حقیقت

فصل دوم: وظایف دولت‌ها در قبال آزادی اجتماعات

- ۳۱-۳۹ گفتار نخست: شناسایی آزادی اجتماعات
- ۳۱-۳۴ بنیادول- شناسایی آزادی اجتماعات در ایران
- ۳۴-۳۷ بند دوم - شناسایی آزادی اجتماعات در فرانسه
- ۳۷-۳۹ بند سوم- شناسایی آزادی اجتماعات در انگلستان
- اول: شناسایی آزادی اجتماعات قبل از قانون حقوق بشر ۱۹۹۸ (حقوق عرفی یا آزادی های منع نشده):
- ۳۹-۳۹ دوم: آزادی اجتماعات پس از تصویب قانون حقوق بشر ۱۹۹۸
- ۴۰-۶۷ گفتار دوم: حمایت از آزادی اجتماعات
- ۴۰-۶۰ بند ۱- حمایت های قضایی
- ۴۰-۵۲ اول: حمایت از آزادی اجتماعات در برابر قوه مقننه
- ۴۱-۴۳ ۱- ایران
- ۴۳-۴۹ ۲- فرانسه
- ۴۴-۴۵ (۲-۱) انواع نظارت:
- ۴۵-۴۸ (۲-۲) ارزش حقوقی اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ (بلوک قانون اساسی ای).....
- ۴۸- ۵۲ ۳- انگلستان
- ۵۲-۶۰ بند ۲: حمایت از آزادی اجتماعات در برابر قوه مجریه

- ۱- انگلستان..... ۵۲-۵۳
- ۲- فرانسه ۵۳-۵۹
- ۲-۱) شورای دولتی..... ۵۵-۵۷
- ۲-۲) مداخله دادگاههای عادی در تنظیم آزادیها (نقض آشکار قوانین) ۵۷-۵۸
- ۳- ایران..... ۵۸-۵۹
- بند دوم-حمایت های غیر قضایی از آزادی اجتماعات..... ۶۰-۶۸
- ۱- حمایت های غیر قضایی در ایران ۶۱-۶۵
- ۱-۱- کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی..... ۶۱-۶۲
- ۱-۲- سازمان بازرسی کل کشور..... ۶۳-۶۴
- ۱-۳- حق تحقیق و تفحص مجلس ۶۴-۶۵
- ۱-۴- مسئولیت اجرای قانون اساسی توسط رئیس جمهور:..... ۶۵
- ۲- حمایت های غیر قضایی در انگلستان ۶۵-۶۶
- ۳- حمایت های غیر قضایی در فرانسه ۶۷

فصل سوم : تدابیر پلیسی و آزادی اجتماعات

- گفتار نخست: تدابیر پیشگیرانه..... ۶۸-۸۲
- بنداول- مقامات صالح در اتخاذ تدابیر پیشگیرانه ۶۸-۷۴
- اول- مقامات اداری (پلیس اداری) ۶۸-۶۹
- ۱- جمهوری اسلامی ایران..... ۶۹-۷۱
- ۲- فرانسه..... ۷۱-۷۳
- دوم) مقام پلیسی (رژیم حقوقی انگلستان)..... ۷۳-۷۴
- ۱- افسر ارشد پلیس ۷۳-۷۴
- ۲- مقامات پلیسی و اداری..... ۷۴

- بند دوم) انواع تدابیر پیشگیرانه ۷۴-۷۵
- اول- تجمعات و تدابیر پیشگیرانه : ۷۵-۷۸
- ۱- آزادی تجمعات بدون نیاز به اخذ مجوز (انگلستان) ۷۵
- ۲- آزادی تجمعات مشروط به دادن اطلاع قبلی (فرانسه) ۷۵-۷۶
- ۳- برگزاری تجمعات با اجازه قبلی (ایران) ۷۶-۷۶
- دوم- راهپیمایی و تدابیر پیشگیرانه ۷۶-۸۲
- ۱- آزادی راهپیمایی و لزوم اخذ مجوز (ایران) ۷۸-۷۹
- ۲- سیستم اطلاع قبلی (فرانسه) ۷۸
- ۳- نظام حقوقی انگلستان (از آزادی تا منع) ۷۹ ۸۲
- ۳-۱) برقراری شرایط برای راهپیمایی ۸۱-۸۲
- ۳-۲) منع راهپیمایی : ۸۲- ۸۳
- گفتار دوم : تدابیر انتظامی ۸۲-۸۳
- بند اول - مقامات انتظامی ۸۳- ۱۰۲
- اول- نیروها و مقامات انتظامی در جمهوری اسلامی ایران ۸۳-۸۶
- ۱- نیروهای نظامی - انتظامی ۸۳-۸۵
- ۲- مقامات انتظامی در جمهوری اسلامی ایران : ۸۵
- دوم- نیروها و مقامات انتظامی در فرانسه : ۸۶-۸۷
- سوم- نیروها و مقامات انتظامی در انگلستان : ۸۷-۸۸
- بند دوم) انواع تدابیر انتظامی ۸۷-۸۸
- اول) تامین امنیت اجتماعات و انتظامات داخلی آن ۸۷-۸۸
- ۱- اصل خود گردانی اجتماعات : ۸۹-۸۸
- ۲- تامین امنیت اجتماعات: ۸۹-۹۰

- ۹۰ دوم- کنترل اجتماعات ناآرام
- ۹۱ ۱- انواع اجتماعات غیرقانونی
- ۹۱-۹۲ ۱-۱) برگزاری اجتماع بدون کسب مجوز با دادن اطلاع قبلی
- ۹۲ ۱-۲) خشونت و اعمال غیر قانونی اجتماعات
- ۹۲-۹۷ ۲- اصول حاکم بر کنترل اجتماعات غیر قانونی
- ۹۳-۹۶ ۲-۱) اصول بین المللی حاکم بر کنترل اجتماعات توسط ولت
- ۹۳-۹۴ الف- اظهار نظر نهایی کمیته حقوق بشر :
- ب- گزارش نهمین کنگره سازمان ملل متحد در خصوص جلوگیری از جرایم (در
- ۹۴-۹۶
- ۹۶-۹۷ ۲-۲- اصول کلی
- ۹۶ الف- اصول استعمال تدریجی
- ۹۶-۹۷ ب- اصل سلسله مراتب و ضرورت :
- ۹۸-۱۰۲ ۳- استفاده از قدرت علیه اجتماعات ناآرام در ایران فرانسه و انگلستان
- ۹۸ ۱-۳) جمهوری اسلامی ایران
- ۹۸-۱۰۰ الف- استعمال تدریجی زور علیه اجتماعات غیرمسلحانه:
- ۱۰۰ ب- بکارگیری سلاح علیه اجتماعات ناآرام مسلح
- ۱۰۰-۱۰۱ ۲-۳) فرانسه:
- ۱۰۲-۱۰۳ ۳-۳) انگلستان

فصل چهارم: محدودیتهای آزادی اجتماعات

- ۱۰۴-۱۱۱ گفتار اول: اصول حاکم بر شرایط محدود کننده آزادی اجتماعات
- ۱۰۴-۱۰۸ بند اول - اصل قانونی بودن:
- ۱۰۴-۱۰۵ اول- قانونی بودن و اصل سلسله مراتب قوانین:

- دوم- اصل قانونی بودن و اختیارات مستقل ماموران دولتی ۱۰۵-۱۰۸
- بند دوم- اصل ضروری بودن ۱۰۹-۱۱۰
- اول- نیاز مبرم اجتماعی: ۱۱۰
- دوم- اصل برقراری نفع عمومی و الزامات صیانت از کنوانسیون: ۱۱۰-۱۱۱
- بند سوم) تطابق محدودیت‌ها با شرایط یک جامعه دمکراتیک ۱۱۱
- گفتار دوم: مصادیق مربوط به محدودیت‌ها ۱۱۲-۱۲۶**
- بند اول- جرم انگاری عام ۱۱۲-۱۱۳
- بند دوم جرم انگاری خاص ۱۱۲-۱۱۳
- اول: نظم عمومی ۱۱۴-۱۲۶
- ۱- ایمنی عمومی و تجمعات غیرقانونی ۱۱۵-۱۱۸
- ۲- آسایش عمومی ۱۱۸-۱۲۱
- ۲-۱- شورش ۱۱۸-۱۱۹
- ۲-۲- جرم بی نظمی خشونت آمیز و تجمعات غیر قانونی ۱۲۰
- ۲-۳- نزاع دسته جمعی ۱۲۱
- دوم: امنیت ملی و آزادی اجتماعات: ۱۲۱-۱۲۶
- ۱- امنیت سیاسی (تروریسم) ۱۲۱-۱۲۲
- ۲- امنیت اجتماعی ۱۲۲-۱۲۶
- گفتار سوم: حالت فوق العاده و اضطراری در ارتباط با آزادی اجتماعات.....**
- بند اول) مفهوم حالت فوق العاده ۱۲۶-۱۲۸
- اول) حکومت نظامی ۱۲۶-۱۲۸
- دوم) حالت اضطراری ۱۲۸
- بند دوم- حالت فوق العاده و مقررات بین المللی ۱۲۸-۱۳۰

۱۳۰-۱۳۵بند سوم - حالت های فوق العاده در ایران، فرانسه، انگلستان.....
۱۳۰-۱۳۲اول) حکومت نظامی.....
۱۳۲-۱۳۵دوم) حالت اضطراری.....
۱۳۶-۱۳۹نتیجه گیری.....
۱۴۰-۱۴۴منابع.....

مقدمه

موضوع پایان نامه حاضر، بررسی تطبیقی آزادی اجتماعات در سه کشور ایران، فرانسه و انگلستان است. این موضوع از آن نظر دارای اهمیت می باشد که آزادی اجتماعات، بنا به تصریح کمیته

حقوق بشر، مبنای بهره مندی از بسیاری از آزادیهای سیاسی می باشد.^۱ از سوی دیگر این خود یکی از ابزارهای حمایتی و تضمینی سایر آزادیهای عمومی قلمداد می شود. در واقع، نمایشی بودن آزادی اجتماعات و بویژه حرکت سیال مردمی در راههای عمومی می تواند تبعات منفی زیادی برای زمامداران داشته باشد و از این حیث ابزار مناسبی جهت واداشتن آنان به تبعیت از نظر شهروندان باشد. شاید به همین خاطر است که در کشورهای جهان سوم نوعاً اجتماعات هدایت شده مورد حمایت قرار می گیرند.^۲

موضوع آزادی اجتماعات در ایران با محتوای مذهبی آن امری شناخته شده و نهادینه شده است؛ با این حال محتوای سیاسی اجتماعات همواره در معرض این بد بینی قرار داشته است که اگر در سنجش آزادی با امنیت و نظم عمومی و در کنار آنها اخلاق و دین محور سنگین با آزادی باشد، باورهای مذهبی، اخلاق عمومی، نظم و امنیت ملی در معرض خدشه قرار خواهند گرفت. این نگرش تبعات خاص حقوقی را در پی داشته و در نتیجه اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی را با محدودیت های خاصی مواجه کرده است. با این حال کشورهایی نیز وجود دارند که با محوریت آزادی، نظم و امنیت نیز حفظ شده و از این حیث کمترین لطمه را می بینند. بنابراین مفید خواهد بود که رژیم حقوقی آزادی اجتماعات در ایران را با دیگر کشورها مورد بررسی قرار دهیم. در این بین انتخاب دو کشور فرانسه و انگلستان از این رو مفید خواهد بود که نظام حقوقی ایران دو کشور از نظام حقوقی رومی - ژرمن و کامن لا مورد تطبیق قرار گیرند. با انتخاب این دو کشور سعی می شود که به این سؤالات پاسخ داده شود.

آزادی اجتماعات چیست؟ دولت ها چه وظایفی در قبال آزادی اجتماعات دارند؟ روند اجرایی این

آزادی در سه کشور مورد بحث چگونه است؟ محدودیتهای وارده بر این آزادی چیست؟

به تبع آن این سؤالات مطرح می شود که:

^۱ Human Rights committee, General comment 25, U.N. Doc. CCPR/C/21/Rev.1/Add.7 (1996)

^۲ هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، نشر میزان، ۱۳۸۴ و ص ۲۱۴

مفهوم دقیق آزادی و اجتماع چیست؟ چه اجتماعاتی مشمول این آزادی قرار می‌گیرد؟ چرا باید اجتماعات آزاد باشند؟ تاریخچه آزادی اجتماعات در سه کشور مورد بحث چگونه است؟ حمایت‌های قضایی و غیر قضایی از آزادی اجتماعات چگونه است؟ چه تدابیر پیشگیرانه‌ای در ارتباط با صیانت از نظم و امنیت در این سه کشور اتخاذ می‌شود؟ در صورت برهم خوردن نظم و امنیت چه نهادهایی دارای صلاحیت هستند؟ آیا دولت‌ها در برقراری محدودیت‌ها تابع اصول خاصی است؟ مصادیق این محدودیت‌ها چیست؟ حالت فوق‌العاده چه تاثیری در اجرای صحیح این آزادی خواهد داشت؟

در پاسخ به این سوالات پایان‌نامه به چهار فصل (فصل ۱ مبانی و مفاهیم - فصل ۲ حمایت از آزادی اجتماعات - فصل ۳ تدابیر پلیسی - فصل ۴ محدودیت‌های آزادی اجتماعات) تقسیم شده است. بنابر این بایک روش تحلیلی - توصیفی (و کتابخانه‌ای) و با این فرض که آزادی اجتماعات - به عنوان یکی از آزادی‌های سیاسی - تحت تأثیر ایدئولوژی غالب در قانون اساسی و جایگاه اجتماعی آن دارای محدودیت‌های متفاوتی خواهد بود و استانداردهای این آزادی در این سه کشور بسته به ملاک یاد شده متفاوت به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

در فصل اول با تبیین جایگاه آزادی و اجتماع در ارتباط با آزادی اجتماعات و بیان دلایل لزوم آزادی اجتماعات (مبانی آزادی اجتماعات) سعی در شناسایی موضوعی مطالعه تطبیقی می‌شود. در فصل دوم موضوع حمایت از آزادی اجتماعات در قالب شناسایی و حمایت‌های قضایی و غیر قضایی در ایران، فرانسه و انگلستان مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

فصل سوم مربوط به کیفیت اجرای آزادی اجتماعات است که در این ارتباط موضوع تدابیر پلیسی در شکل تدابیر پیشگیرانه (اقدامات مقامات پلیس اداری در دادن مجوز یا اخذ اطلاع قبلی) و تدابیر انتظامی (در حفظ و برقراری نظم عمومی) قرار می‌گیرد.

فصل چهارم نیز به مطالعه محدودیت‌های آزادی اجتماعات در قالب اصول حاکم بر این محدودیت‌ها و مصادیق آن و وضعیت محدودیت‌ها در حالت فوق‌العاده اختصاص یافته است.

فصل اول: مفهوم و مبانی آزادی اجتماعات

گفتار نخست: مفهوم آزادی

در یک مفهوم سلبی، آزادی را می‌توان به فقدان ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها تعریف نمود. با این برداشت آزادی در اجتماع انسانی عبارتند از: «وضعیت انسان در حالتی که در انقیاد هیچ بالا دستی نیست»^۱.

بنابراین آزادی را نباید با مفهوم توانایی اشتباه گرفت. مفهوم عدم آزادی شخص در پرواز کردن یا مثال‌های مشابه در عدم توانایی اوست. آزادی بیش از هر چیز با موضوع گزینش ارتباط پیدا می‌کند. آزادی یعنی امکان گزینش با این حال هر گزینشی نیز معقول و منطقی نیست در واقع گزینش انسان در حالت فقدان ممنوعیت‌ها نیز دارای محدودیت‌های خواهد بود. این موضوع موجب طرح سیستم ارزش جامعه می‌شود.^۲ به طور مثال ماده ۴ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹) آزادی را به این صورت تعریف می‌کند: «آزادی عبارتند از قدرت انجام هر عملی که به دیگران لطمه وارد نسازد. بنابراین اعمال حقوق طبیعی محدود نخواهد بود مگر جهت تضمین بهره‌مندی سایر اعضا و جامعه از حقوق طبیعی این محدودیت‌ها توسط قانون مشخص می‌شود»

از این دیدگاه ارزش بنیادین در تعیین مفهوم آزادی بهره‌مندی از حقوق طبیعی می‌باشد. هرکس آزاد است به شرطی که به این ارزش بنیادین لطمه وارد نسازد. دیگر ارزش بنیادین قانون است. بنابراین این قانون است که تعیین می‌کند هرکس، در این بهره‌مندی از حقوق طبیعی تا چه حدی می‌تواند پیش رود. این معیارها به نحو دقیق‌تری در ماده ۶ اعلامیه حقوق بشر و شهروند قانون اساسی ۲۴ ژوئن ۱۹۷۳ فرانسه آمده است: «آزادی قدرت انسان در انجام اموری است که به دیگری ضرر نمی‌رساند. مبنای آن،

^۱ Dictionnaire de Robert- liberte: " Condition de l homme qui n appartient a aucun maitre "

^۲ BARRY, NORMAN: *An Introduction to Modern Political Theory*, Macmillan Press Ltd, 4th ed, 2000

طبیعت، قاعده‌اش عدالت و نگهبان آن قانون است. حدود اخلاقی آن را در این ضرب المثل می‌توان یافت که: کاری که تو بر خود نمی‌پسندی برای دیگران انجام نده»

در نتیجه اختلاف در تعبیر و تفاسیر در آزادی امری منطقی به نظر می‌رسد. چراکه مکاتب و فرهنگ های مختلف هر یک حدود خاصی برای آزادی قایل هستند.

از سوی دیگر اختلاف دیدگاههای مختلف در موضوع انسان شناسی امر دیگری است که موجب بسط موضوع از پذیرش تا رد آزادی خواهد شد. در واقع اختلاف نظرها گاهی بر سر این موضوع نیست که آیا استبداد بهتر است یا دموکراسی اختلاف در این است که آیا انسان فطرتاً موجود شرور و ویرانگری است و یا موجود خیرخواه و دوستدار دیگران. عده ای نظیر ماکیا ولی، هایز، بدن، داروین انسان را گرگ انسان می‌دانند و عده ای دیگری نظیر ژان ژاک روسو، جان لاک، منتسکیو و دیگران بشر را فطرتاً خیرخواه. آزادی یک مورد خیرخواه یک امر قابل پذیرش و آزادی یک موجود شریر غیرمنطقی است.^۱

با در نظر گرفتن مفهوم اجمالی آزادی و منشا اختلاف نظرها در آن، ذیلاً به تبیین مفهوم فلسفی، اسلامی حقوقی آزادی می‌پردازیم:

بند اول - مفهوم فلسفی آزادی:

موضوع آزادی در فلسفه از منظر جبر یا اختیار انسان مطرح بوده است. در واقع سوال اصلی این است که آیا انسان واقعا آزاد است یا اینکه آزاد نیست و فقط فکر می‌کند که آزاد است. در تفکر مادی اعتقاد بر حکمفرمایی جبر و دترمینیسم بر جهان هستی است. بر اساس این تفکر هر پدیده معلول علتی است و اراده انسان نیز تابع قوانین طبیعی خواهد بود.^۲

در تاریخ فلسفه اسلامی، بویژه موضوع تقابل اندیشه های اشاعره و معتزله مشهور است. اعتقاد اشاعره بر این بود که خوب و بد، ایمان و کفر از مشیت الهی سرچشمه می‌گیرد و انسان صرفاً دارای یک نقش انفعالی است. این اندیشه بویژه با موضوع مسئول بودن انسان در قبال اعمالش به چالش گرفته شده است. در مقابل

^۱ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه: درآمدی بر حقوق اساسی، انتشارات سمت، ۱۳۶۸، ص ۲۵۸
^۲ طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲

معتزله اعتقاد داشتند که انسان آزاد به دنیا آمده و آزاد است و عقل انسان نیز راهنمایی او در شناخت خوب و بد است.

از برخورد این دو مکتب افراطی مکتب میانه ای ایجاد شد که در آن نه جبر کامل حکمفرما است و نه اختیار محض، این گروه با استناد به این جمله علی (ع) که "لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین" راه میانه ای را برگزیدند. گفته می شود که کانت نیز به این نظر گرایش دارد. به عقیده وی انسان در عین حال که دارای اراده است و می تواند دنیای اطراف خود را خود بسازد، مقهور عوامل طبیعی هم می باشد.^۱

بند دوم - مفهوم حقوقی آزادی :

اگر آزادی حقوقی را یک حق شهروندی بدانیم، دولت مکلف به تامین آن خواهد بود. این تامین گاهی با مداخله مستقیم دولت حاصل می شود و گاهی عدم مداخله دولت برای ایجاد و پرورش آن کافی است. بنابراین ضروری است که مفهوم حق و آزادی و مداخله یا عدم مداخله دولت (آزادی منفی و مثبت) مورد بحث قرار گیرد.

اول - حق و آزادی

گاهی حق در مفهوم آزادی به کار می رود (حق - آزادی) و علاوه بر آن آزادی را باید در شمار یک حق بشری (حق - ادعا) به شمار آورد. در تقسیمات هوفیلدی از حق، حق در چهار مفهوم زیر به کار می رود:

۱ - حق ادعا^۲: حق در این مفهوم به معنای وجود تکلیف طرف مقابل است. به این حق گاهی حق تقاضا^۳ و گاهی حق مطالبه^۴ نیز گفته می شود حق ادعا می تواند دارای جنبه مثبت و یا جنبه منفی باشد. در مفهوم مثبت خود مثل حق انسان در دریافت کالا و خدمات و در مفهوم منفی آن مثل حق بر این

^۱ کاتوزیان، ناصر: مبانی حقوق عمومی، انتشارات دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۲۵۰

^۲ Claim- right

^۳ Demand- right

^۴ right of recipience

موضوع که انسان نباید مورد ضرب و جرح قرار گیرد. از سوی دیگر باید بین حتی که بر ذمه یک شخص قرار می‌گیرد^۱ و حق عینی^۲ قایل به تمایز شد تماماً. حق ادعاهای مثبت توما حق ادعاهای دینی هستند.^۳

۲- حق آزادی^۴: این حق به مفهوم رهایی از تکلیف است که به سادگی می‌توان به آن آزادی گفت گاهی به آن اجازه^۵ نیز گفته می‌شود.^۶

۳- حق-اختیار^۷: این حق به معنی توانایی قانونی خواهد بود مثل حق رای یا حق انعقاد قرار داد. بنابراین فرد اختیار انعقاد هر قراردادی که مایل به انعقاد آن است را دارد و در مقابل مسئولیتی در انعقاد نخواهد داشت.^۸

۴- حق - مصونیت^۹: این حق زمانی محقق می‌شود که ما تابع حق- ادعا یا حق- اختیار کسی باشیم؛ بنابراین نقیض آن مسئولیت است و وقتی که فرد حق فروش مالی را داشته باشد در مقابل این حق- مصونیت را نیز دارد که دیگران حق فروش آن مال را نداشته باشند.^{۱۰}

در این ارتباط، آزادی اجتماعات یک حق - آزادی است. در واقع قبل از درج این آزادی در متون قانونی، شهروندان در برپایی اجتماعات آزادند؛ با این حال پیش بینی این آزادی در اسناد بین‌المللی مثل ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی و همچنین پیش بینی آن در قوانین داخلی ایران (اصل ۲۷ قانون اساسی) فرانسه (ماده ۱ قانون ۳۰ ژوئن ۱۸۸۱) انگلستان (ماده ۲ قانون حقوق بشر ۱۹۹۸) این حق آزادی را تبدیل به یک حق ادعا خواهد کرد. در نتیجه شهروندان نه تنها آزادند که اجتماعات مسالمت آمیز را به نحو گروهی تشکیل دهند بلکه حق انجام آن را نیز دارند و می‌دانیم

¹ right in personam

² right in rem

³ JOESN, PETER: *Rights*, Martins press, 1994, pp.15-16

⁴ liberty-right

⁵ permission

⁶ Ibid.16

⁷ right-pewer

⁸ Ibid. 22

⁹ Right-immunity

¹⁰ Ibid.22

که در برابر هر حقی (حق - ادعا) تکلیفی برای طرف مقابل خواهد بود. طرف مقابل در حق بر آزادی اجتماعات دولت و شهروندان دیگر خواهند بود. تکالیف هر یک از این اطراف در این پایانامه به نحو مبسوط بررسی خواهد شد.

دوم - آزادیهای منفی و آزادیهای مثبت:

آیزیا برلین (۱۹۰۹-۱۹۹۷) در اثر مشهور خود تحت عنوان چهار مقابله درباره آزادی، آزادی را در دو مفهوم مثبت و منفی به کار می‌برد. سوال اصلی وی در بررسی مفهوم آزادیهای این است که در چه قلمروهایی یک شهروند بدون مداخله دولت رها گذاشته شده یا باید رها گذاشته شود؟

به عقیده وی «اگر دیگران مرا از آنچه که بدون دخالت آنان انجام خواهم داد باز دارند، به همان اندازه آزادی خود را از دست داده‌ام که اگر دیگران این حوزه را بیش از حد محدود کمترکنند که در آن صورت من تحت اجبار و در بندم»^۱

مهمترین محور بحث آزادیهای منفی این است که هر شخص منافع خود را بهتر تشخیص می‌دهد. در واقع این موضع - عدم مداخله دولت - سازگار با اندیشه اقتصاد باز می باشد. با این حال این بعد از آزادی؛ همواره در معرض این انتقاد قرار دارد که نتیجه عدم مداخله دولت آزادی توأم با گرسنگی^۲ خواهد بود.^۳

آزادیهای مثبت - در برابر مفهوم منفی آن - مستلزم دخالت دولت جهت تحقق آن است. وی در تعریف آزادیهای مثبت می گوید: «معنای مثبت آزادی از خواست فرد برای خودمختاری برمی‌خیزد. آرزوی من این است که زندگی و تصمیمات من متکی بر خودم باشد، نه بر نیروهای خارج از من، من می خواهم... کارگزار و تصمیم‌گیر باشم، نه اینکه برایم تصمیم بگیرند؛ خود گردان باشم، نه اینکه دیگران با من چنان رفتار کنند که گویی شیء یا حیوانم، یا برده‌ای عاجز از اینان، نقش انسانی خود یعنی اینکه بتوانم اهداف و شیوه‌های رسیدن به آنها را در ذهن خود تصور کنم.»^۴

^۱ آیزیا برلین: چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه محمد علی موحد، تهران، خوارزمی ۱۳۶۸، ص ۱۰۷

^۲ freedom to starve

^۳ Barry, Norman, op.cit.p, 201

^۴ همان، ص ۱۰۸

موضوع مداخله دولت جهت تحقق آزادیها بویژه با افکار ژان ژاک روسو قابل تطبیق خواهد بود. روسو، آزادی صحیح را در اطاعت از قواعد اخلاقی می داند که بر ما تحمیل می شود به عقیده وی ما نمی توانیم منافع خود خواهانه خود را به حد منتهای برسانیم بلکه صرفاً می توانیم منفعی که با دیگران در آن سهیم هستیم را ارتقا دهیم. استدلال وی مبتنی بر یک ممنوع دوستی ساده بنا نشده است بلکه مبتنی بر وجود نهادهای دمکراتیک است که جهت تحمیل قانون و برای حفظ نظم و منافع عمومی طراحی شده است. اطاعت از این نهادها، تضمین آزادی را در بر خواهد داشت. بنابراین در صورتیکه فرد منافع خود را با منافع جمع در تعارض ببیند - به دلیل خواسته کوچک خویش - خود را محدود به منافع عمومی کند.^۱

در این ارتباط، آزادی اجتماعات از جمله آزادیهای نسل اول حقوق بشر می باشد که بدون مداخله دولت قابل تامین است. با این حال همچنانکه پیشتر ذکر شد. ذکر این آزادیها در اسناد حقوقی موجب تکلیف دولت خواهد بود. تکلیف دولت در ارتباط با آزادی اجتماعات، شناسایی، حمایت و تضمین آزادی اجتماعات است.

بند سوم - آزادی در اسلام:

از دیدگاه اسلامی، آزادی دارای جایگاه ویژه ای است و این اهمیت تا به آن حد است که مسلمانان مکلفند برخی از وظایف شرعی خود را به سوی بیت عقیق - یعنی کعبه - انجام دهند. بنابراین قرآن مجید به مسلمانان تکلیف می کند که به حول کعبه - بیت آزاد یا سمبل آزادی - طواف کند.^۲

اول - آزادیهای معنوی و اجتماعی:

از دیدگاه اسلامی هر موجود زنده حتی گیاهان و حیوانات حق رشد و تکامل دارند و در این مسیر محتاج به سه عامل؛ تربیت، امنیت و آزادی خواهند بود. بنابراین آزادی یکی از عوامل اساسی نیازمند هر موجود زنده در طی مسیر تکامل و رشد خواهد بود. این مفهوم از آزادی متضمن آزادی معنوی و آزادی اجتماعی است. آزادی اجتماعی به مفهوم رهایی بشر از قید و بندهای غیرقانونی سایر افراد اجتماع است

^۱ Barry, Norman, op.cit.p,202

^۲ ولیطوا فوا بالبیت العتیق: سوره حج آیه ۲۹

مثل آزادی، تشکیل اجتماعات، آزادی بیان ... و آزادی معنوی به مفهوم رهایی بشر از قید و بند هوای نفسانی است.^۱

از دیدگاه اسلامی آزادی معنوی لازمه آزادی اجتماعی است. زمانی آزادیهای اجتماعی مفهوم واقعی خود را خواهند داشت که آزادیهای معنوی به نتیجه رسیده باشد.

دوم- آزادی تکوینی و تشریحی:

آزادی تکوینی به این مفهوم است که «در تمام آفرینش انتخاب راه و عقیده اجبارپذیر نیست» از سوی دیگر آزادی تکوینی به این معنا نیز می باشد که انسان در انجام هیچ کاری بی اختیار و ناچار نیست. به بیان علمی «جهان آفرینش نه در انحصار جبر است و نه در سلطه تفویض.^۲» به بیان دیگر آزادی تکوینی موید اصل اختیار انسان است.

از این حیث اختلافی بین ایدئولوژی اسلامی و مفاهیم حقوق بشری وجود ندارد. هر دو موید اختیار انسان در گزینش ارادی عقاید، راهها و روشهای مختلف است. بنابراین قرآن کریم می فرماید: لا اکراه فی الدین (سوره بقره آیه ۲۵۶) و یا می فرماید: الحق من و بکم فمن شاء فلیومن و من شاء فلیکفر (سوره کهف آیه ۲۹) بنابراین انسان دارای اختیار انتخاب هر دین یا آوردن و یا نیاوردن ایمان به حق است.

تفاوت دین اسلام با دیگر ایدئولوژیها در آزادی تشریحی است. آزادی تشریحی عبارتند از راه و روش صحیحی که در کنار اصل اختیار انسان، باید مورد انتخاب واقع شود.

بنابراین راههای مختلفی وجود دارد. انسان دارای اختیار است ولی شریعت مقدس اسلام راه صحیحی را معرفی می کند و انسان باید این راه را انتخاب کند. ضمانت اجرای این الزام، مسئولیت انسان در برابر خداوند متعال است. بنابراین خداوند متعال در ادامه آیه ۲۵۶ سوره بقره می فرماید: قد تبین الرشد من الغی (راه رشد و هدایت از گمراهی کاملاً متمایز شده است).

^۱ مطهری، مرتضی؛ آزادی معنوی، انتشارات صدرا، چاپ سی و چهارم، ۱۳۸۵، ص ۱۶-۱۷

^۲ جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، مرکز نشر اسرار، ۱۳۸۳، ص ۱۹۵-۱۹۶

بر این اساس، اصل ۲ قانون اساسی آزادی توأم با مسئولیت انسان در برابر خداوند را به عنوان یکی از مبانی جمهوری اسلامی ایران نام می‌برد. به نظر می‌رسد منظور از آزادی، آزادی تشریحی و قید توأم با مسئولیت انسان در برابر خداوند موید مسئولیت ناشی از آزادی تشریحی است.

گفتار دوم - مفهوم اجتماع

بند اول - مفاهیم مرتبط

در تمییز اجتماعات از مفاهیم مشابه یا شناسایی آن از آنچه که به عنوان اجتماع تلقی نمی‌شود مثال هایی به کار می‌رود که بررسی آنها مستلزم پرداختن به مفاهیم جامعه شناختی گروه خواهد بود. بنابراین از این حیث که اجتماع حداقل یک گروه است (گروه موقت) می‌توان شرایط آن را در تطبیق با شرایط تشکیل یک گروه مورد بررسی قرار داد.

از نظر جامعه شناسان نقطه آغازین تشکیل یک گروه کنش متقابل اجتماعی است. کنش متقابل در برابر بی توجهی مدنی قرار می‌گیرد. یک گروه زمانی تشکیل می‌شود که این کنش متقابل متمرکز باشد. با محصول این شرایط گروه از مفاهیمی چون انبوهه و دسته متمایز می‌شود. لذا ضروری است که به تعریف کنش متقابل اجتماعی، انواع آن، بی توجهی مدنی و تمییز گروه از انبوهه و دسته پرداخته شود.^۱

در تعریف بی توجهی مدنی می‌توان گفت: هنگامی که رهگذران سریعاً نگاهی به هم می‌اندازند و آن گاه وقتی خیلی به هم نزدیک می‌شوند دوباره به سوی دیگر می‌نگرند آن چیزی را به نمایش می‌گذارند که اورینگ گافمن آن را بی توجهی مدنی می‌نامد. ما اغلب چنین انتظاری از یکدیگر داریم. بی توجهی مدنی به هیچ وجه به معنی نادیده گرفتن دیگری نیست.^۲

^۱ به طور مثال نک: گیدنز، انتونی: جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات نی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳، ص ۳۱۳-۳۳۶ و رفیع پوره فرامرزی: *انatomی جامعه*، شرکت سهامی انتشارات، چاپ سوم ۱۳۸۲، ص ۱۰۵-۱۷۴

^۲ گیدنز، انتونی، منبع پیشین، ۱۱۷-۱۱۸

کنش متقابل اجتماعی وقتی به وجود می آید که فعالیت یک شخص فعالیت شخص دیگر را در پی داشته باشد. کنش متقابل می تواند به شکل متمرکز یا نامتمرکز باشد.^۱

کنش متقابل نامتمرکز را میتوان به این ترتیب تعریف نمود: «در بسیاری از وضعیت های اجتماعی ما به رفتارهایی دست می زنیم که گافمن آن را کنش متقابل نامتمرکز با یکدیگر می نامد. کنش متقابل نامتمرکز زمانی وقوع می یابد که افراد در محیط معینی آگاهی متقابل از ظهور یکدیگر را نشان می دهند. مثلاً جماعت تماشاگر تئاتر^۲»

کنش متقابل متمرکز هنگامی رخ می دهد که افراد مستقیماً به آنچه هر یک می گوید یا انجام می دهد توجه کند.^۳

با درک مراتب فوق گروه از مفاهیمی چون انبوهه یا دسته متمایز می شود :

انبوهه را می توان به «مجموعه ای از افراد که در یک زمان در یک جا حضور دارند اما هیچگونه ارتباط معین مشترک با هم ندارند مثل مسافران منتظر در فرودگاه یا تماشاگران سینما و... [تعریف نمود] به عبارت گافمن : انبوهه اجتماعی از افراد است که در کنش متقابل نامتمرکز با هم هستند. این در حالی است که در یک گروه حتی واکنش متقابل از نوع متمرکز خواهد بود.^۴

دسته اجتماعی را می توان «یک گروه بندی آماری» دانست.^۵

بنابراین می توان پذیرفت که چرا افراد حاضر در یک استادیوم یک اجتماع تلقی می شوند.^۶ در حالیکه افراد حاضر در یک تئاتر یا سینما یک اجتماع تلقی نمیشوند. افراد حاضر در استادیوم ورزشی دارای کنش متقابل متمرکز هستند. بنابراین تشکیل یک گروه

^۱ رفیع پوره فرامرزه منبع پیشین، ص ۱۱۲

^۲ گیدنز، انتونی، منبع پیشین، ص ۱۳۰

^۳ رفیع پوره فرامرزه منبع پیشین، ص ۱۱۲

^۴ گیدنز، انتونی، منبع پیشین، ص ۳۱۳

^۵ همان

^۶ Cawley v frost (1976), 3 all ER. 743